



توضیحاتی راجع به «سور الم»

\* سوره مبارکه الم عبارتند از:

- ✓ بقره
- ✓ آل عمران
- ✓ عنکبوت
- ✓ سجده
- ✓ لقمان
- ✓ روم

\* موضوعات زیر در این سور بسیار پررنگ است:

۱- موضوع مردم‌شناسی

۲- این سور تفصیل سور جزء ۳۰ می‌باشند. (خصوصاً تفصیل سوره مباره ناس، سوره مبارکه بقره است)

۳- این سور به تفکیک:

- ✓ موضوع امام (خصوصاً سور بقره و آل عمران) زیرا مدیریت جامعه امام است.
- ✓ در سور سجده، روم، لقمان و عنکبوت «نظام اجتماعی» بحث می‌شود.
- ✓ سوره مبارکه روم موضوع «دین» که چارچوب ساختار نظام اجتماع است را تبیین می‌کند.
- ✓ سوره مبارکه عنکبوت درباره «جهاد» سخن می‌گوید.
- ✓ سوره مبارکه لقمان درباره نظام حُسن سخن می‌گوید که نظام فرهنگی جامعه است.
- ✓ سوره مبارکه سجده، درباره موضوع سجده و نظامات تربیتی نظام اجتماعی‌ای که گفته شد.
- ✓ بقره و آل عمران روی نظام مدیریتی و امامت سخن می‌گویند. بنابراین سور الم را می‌توان به عنوان سور «ساختارشناسی» حکومت دینی هم مطالعه کرد. اعم از قوانین حاکم، نظام فرهنگی و نظام تعلیم و تربیت، نظام عملی و نظام رهبری جامعه
- ۴- موضوع «تقوا» از موضوعات پرکاربرد قرآن است که «منظومه تقوا» خصوصاً تقوای اجتماعی در این سور باز شده است.
- در این کلاس بیشتر با رویکرد موضوع تقوا صحبت خواهیم کرد. به عبارتی می‌خواهیم با منظومه تقوا در قرآن از دریچه سور الم آشنا شویم.
- موضوع تقوا از موضوعات پرتکرار قرآن است و در عین بساطت و سادگی، منظومه سنگین و پیچیده‌ای دارد. موضوعی کاملاً دامنه‌دار و گسترده در مجموعه معارف قرآنی است. بنابراین نقشه تقوا در قرآن سور الم هستند. سوره مبارکه بقره، نقشه کلی تقوا و سور آل عمران، عنکبوت، سجده و لقمان هر کدام بُعدی از تقوا را باز کرده و تفصیل می‌دهند.

## سوره مبارکه بقره

- **خاصیت اول:** سوره مبارکه بقره بسیار منحصر به فرد است. از این نظر که رسول خدا (ص) هرگاه می‌خواستند گروهی را برای جنگ بفرستند کسی را فرمانده می‌کردند که سوره مبارکه بقره را بلد بود. این مطلب ناظر به توضیحی است که در قسمت قبل آمد زیرا منظومه امامت در جریان اجتماعی در سور الم و خصوصاً بقره و آل عمران آمده است. لذا سوره مبارکه بقره سوره فرماندهی است.

- **خاصیت دوم:** سوره مبارکه بقره در روایت بسیار در کنار سوره مبارکه آل عمران است و در روایات آنها را «ظهران» نامیده‌اند، یعنی «دوتا نورچشمی قرآن». این سور در قرآن تالو می‌کنند.

- **خاصیت سوم:** سوره مبارکه بقره جزو سور تبال است و در رأس آنها قرار گرفته است. «سور تبال» در روایات آمده سوری است که به جای تورات به حضرت موسی (ع) داده شد، این سور به پیامبر (ص) داده شد. لذا به نوعی می‌توان گفت: سوره مبارکه بقره خلاصه تورات است. یعنی اگر کسی بخواهد جریان اجتماعی و مبارزات حضرت موسی را تحلیل کند سوره‌های بقره و آل عمران سور بی‌نظیری در قرآن هستند.

- **خاصیت چهارم:** در روایتی آمده که اگر سور قرآن را مانند کوهی روی هم بریزید قله آن کوه سوره مبارکه بقره است و پرچمی که روی آن قله نصب است، سوره مبارکه حمد است. بنابراین اگر کسی بخواهد در قرآن سیر و سلوک کند و کوه قرآن را بالا برود، قله-ای را که باید فتح کند بقره است و پرچمی را که باید نصب کند تا بگویند این قله فتح شده است، سوره مبارکه حمد است. لذا تا کسی سوره مبارکه حمد را بلد نباشد نمی‌توان گفت قرآن بلد است و در قرآن تدبر کرده است.

- بسیاری از آیات مهم قرآن و غرر آیات قرآن در سوره مبارکه بقره آمده است.

- یکی از بهترین روش‌های کار کردن سور بلندی مانند سوره مبارکه بقره این است که جهت موضوعی سوره بر اساس کلیت سوره که قبلاً شناخته شده است، تعیین گردد سپس دسته دسته آیات نسبتشان با آن موضوع مشخص شود.

## شروع سوره مبارکه بقره

- حضرت علامه آیات ۱ تا ۵ را دسته اول در نظر گرفته‌اند:

### دسته اول آیات ۱ تا ۵:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الم (۱)
الف، لام، میم.
ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)
آن کتاب [بلند مرتبه] هیچ تردیدی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.
الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳)
آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند.

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (٤)

و آنان که به آنچه به تو نازل گردیده و آنچه پیش از تو نازل شده، ایمان می آورند و اینانند که به آخرت یقین دارند.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٥)

آنان بر هدایتی از پروردگار خویشند و هم ایشان رستگارانند.

- آیه ١:

\* توضیحی راجع به حروف مقطعه:

- اگر در حروف مقطعه، حرفی اضافه شود در بسیاری از موارد می توان معنی آن را تشخیص داد مثلاً به عنوان فرض اگر در «الم» حرف «ی» وسط آن اضافه شود و تبدیل به «المیم» شود همه می توانیم معنی آن را تشخیص دهیم. لذا نباید فکر کنیم معانی بعضی از واژه مانند المیم را می فهمیم اما حروف مقطعه را نمی فهمیم، بلکه باید بدانیم تمام واژه های قرآن، رمز و راز بین خدا و پیامبر (ص) هستند. مثلاً می دانیم معنای واژه المیم، «دردناک» است و نباید فراموش کنیم که این واژه نیز بین خدا و پیامبر (ص) است و رمزهای بسیار دارد. یعنی همانقدر که درباره حروف مقطعه مانند «الم» می گوییم رمز و راز بین خدا و پیامبر (ص) هستند، بقیه واژه ها نیز بین خدا و پیامبر (ص) رمز و راز بسیار دارند. روزی خواهد رسید که پیامبر (ص) از همه حروف مقطعه و همه کلمات قرآن، پرده برداری خواهند کرد.

- بعضی از افراد مانند حضرت علامه طباطبایی معتقدند که حروف مقطعه در هر سوره، خلاصه همان سوره است. یعنی اگر سوره مبارکه بقره را خواندیم و پنداشتیم مطلب زیادی فهم کرده ایم، باید بدانیم سخت در اشتباهیم و همچنان رمز و راز بین خدا و پیامبرش باقی است.

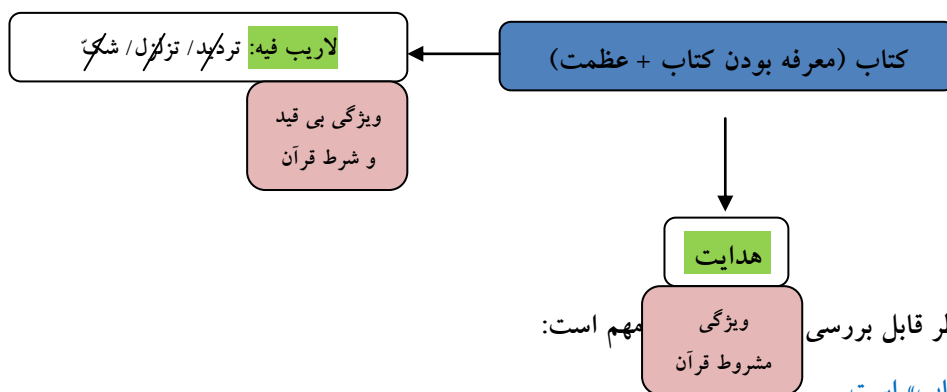
- آیه ٢: ذلک الکتاب: اشاره می کند به کتاب. (کتاب را معرفی آورده است یعنی همه می دانند منظور کدام کتاب است).

- لا رَیْبَ فِیْهِ: یعنی هیچ شکّی هم در آن کتاب نیست. (بدون شرط)

- هُدًى لِّلْمُتَّقِیْنَ: البته هدایتش نیز برای متقین است.

- «قرآن»، کتاب هدایت است اما مشروط بر اینکه مقدمه اش فراهم شود. مقدمه آن را «تقوا» نامیده اند. این مطلب یکی از موضوعات اصلی در قرآن است.

- لذا برای قرآن اصل مطلب، هدایت ایجاد کردن آن است. توجه: باران قرآن در هر زمینی، گیاه تولید نمی کند.



لذا اگر انسان هدایت را از هر جای دیگری غیر از کتاب بگیرد، آن هدایت ناقص است و لنگ می‌زند. در اینجا سخنی از رسول آورده نشده است زیرا رسول نیز به اعتبار کتاب، رسول است یعنی بُنِ هدایت، «کتاب» است. بقیه چیزها بر اساس اینکه چقدر بر کتاب مبتنی هستند، هدایت آورند.

۲- «عدم وجود ریب» (تردید، شک، تناقض و ...) نقش مهمی در هدایت‌آفرینی آن دارد.

نبودن شک در کتاب یعنی اینکه با خیال راحت درباره آن تحقیق کن البته تفکر، تعقل و تدبر را در خود خاموش نکن. اگر در مورد قرآن تردید ایجاد کردند، اصلاً نترس.

۳- «هدایت گرفتن» از کتاب مهم است.

اگر قرآن داشته باشیم اما از آن در جهت هدایت استفاده نکنیم از نظر خدا مانند حمار می‌مانیم.

۴- لازمه برخورداری از هدایت کتاب، «تقواست».

«قرآن» حصنی دارد که در صورت عدم طهارت از مرحله‌ای به بعد به چنین انسانی اجازه ورود برای فهم و تدبر و ... نمی‌دهد.

- «تقوا» مانند یک علامت منفی است که اگر در همه منفی‌های زندگی ضرب شود، همه را مثبت می‌کند.

$$\boxed{-} \times \boxed{\text{بخل - حرص - حسادت - نفاق - غیبت - قتل - دروغ و ...}} = \boxed{+}$$

- «تقوا» در عالم کیمیاست. زیرا می‌تواند کسی که از حیوان پست‌تر است را به رتبه ملائک برساند ...

- نکته: «لذت» در عالم مادی نیست و کاملاً ادراکی است.

- در روایات آمده است علم لذتی دارد که هیچ لذتی در عالم به پای لذت علم نمی‌رسد.

- دو موضوع در نهج‌البلاغه رأس همه موضوعات عالم است: ۱- دنیا ۲- تقوا

- «تقوا» امری درونی است. روح حاکم بر اعمال انسان است.

### زنگ دوم:

- نکته از آیه ۵: اصطلاح «لعلکم تفلحون» مکرر در قرآن آمده است. حال گاهی عبارت «لعل» به عبارت «اولئک» تبدیل می‌شود. فرق

آن این است که «لعل» یعنی «امید است که به فلاح برسید» اما زمانی که عبارت «اولئک» می‌آید یعنی قطعی است لذا «أُولَئِكَ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ» یعنی اگر تقوا باشد به فلاح رسیدن آنها قطعی است. بنابراین تقوا، اگر و اما ندارد و قطعی است.

- توجه: نوعاً در قرآن، آن جاهایی که عبارت اولئک آمده است، در آن «ردپای تقوا» دیده می‌شود. تقوا عامل لازم و کافی برای

«فلاح» است.

- آیات ۳ و ۴: این آیات توضیح انسان متقی است و ۵ ویژگی برای آن آورده است:

### متقین:

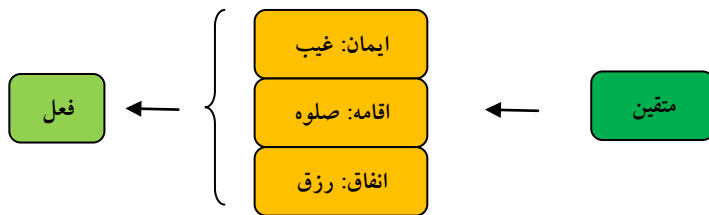
۱- ایمان به غیب

۲- اقامه صلوه

۳- انفاق از آنچه روزیشان شده است.

۴- ایمان به آنچه نازل شده

۵- یقین به آخرت



- توجه هم «ایمان داشتن» و «ایمان به غیب داشتن» هر دو مهم است. یعنی هم جنس و هم محتوا هر دو مهم است.

- افراد نوعاً خیلی از چیزها را می‌دانند اما به آن «ایمان» ندارند. مثال می‌دانند سیگار ریه را سیاه می‌کند اما باز هم سیگار می‌کشند.

لذا پذیرش ایمان مهم است. پذیرش یا همان ایمان، لازمه «عمل کردن به علم» است.

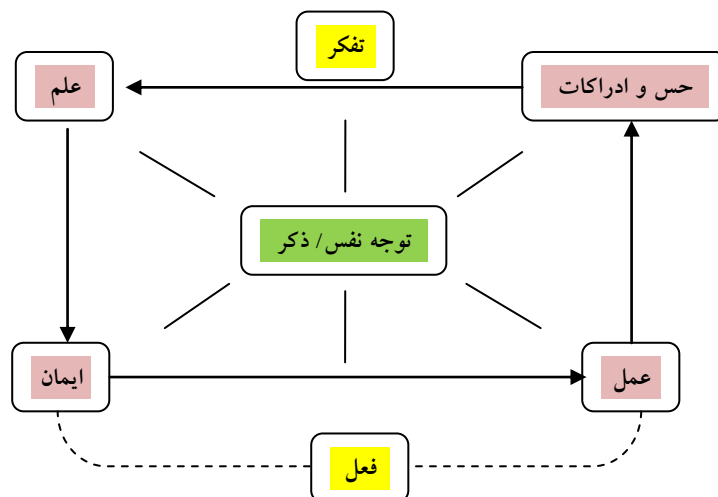
- پس از پذیرش «توجه» لازم است زیرا خیلی از اوقات افراد دچار نسیان می‌شوند. یعنی در توجه «استمرار» لازم است. پذیرش

احتیاج به صبر نیز دارد یعنی پایداری و البته این استمرار احتیاج به «عزم» نیز دارد. ضمناً احتیاج به «حبّ و بغض» هم دارد زیرا

انسان‌ها نوعاً نسبت به علم‌هایی که دارند حالت حبّ و بغض ندارد.

- یعنی «ایمان» برای اقامه شدن (عمل) احتیاج به تعدادی مؤلفه دارد. به کل فرآیند از ایمان تا اقامه در وجود انسان «فعل» گفته می‌-

شود.



- «توجه نفسانی» یا همان «ذکر»، قوهٔ مدیریتی در وجود انسان است.

- لذا ساختار انسان سه بخش دارد: ۱- علم ۲- توجه ۳- فعل

- «تعقل» مهم‌ترین ابزار صحت‌سنجی علم است.

- تعقل قوه‌ای دو وجهی در وجود انسان است. در آن هم «توجه» هست و هم «علم».

- اگر «وجه» تربیت شود و ذیل ساختار حق قرار گیرد در قرآن ذکر گفته می‌شود.

- وجهی که تحت تربیت الهی قرار بگیرد و فقط به حقیقت الهی توجه کند را «ذکر» گویند.

- علم در قرآن نوعاً مثبت است. اگر علم در قرآن به یقین تبدیل شود به آن علم مثبت گویند. «یقین» علمی است که مبتنی بر حق

است و به تثبیت رسیده است.

- «فعل» نیز مانند علم می ماند و در حالت کلی نه مثبت است و نه منفی. فعل انسان می تواند صادقانه باشد یا کاذبانه باشد. در قرآن «فعلی» که صرفاً مبتنی بر حق عمل می کند را «تقوا» گویند.

- نسبت «تقوا» به «فعل» مانند «ذکر» است به «توجه». یعنی مطلق قوه را «توجه» گویند و اگر تحت تربیت الهی باشد «ذکر» نامیده می شود. همچنین مطلق قوه را «فعل» گویند ولی فعلی که صادقانه است «تقوا» نامیده می شود. لذا «ثبت»، «ایمان»، «صبر»، «عزم»، «اراده» همه مؤلفه های تقوا هستند. به همین علت اگر تقوا آید حتماً فلاح به دنبالش خواهد آمد (آیه ۵) زیرا مؤلفه های تقوا بسیار گسترده است و همه وجود انسان را شامل می شود.

- توجه: اگر معنای اجتماعی «انفاق» را در نظر گیریم این گونه است که اگر کسی اهتمام به مسائل اجتماعی از خانواده گرفته تا مسائل کلان نداشته باشد، لاجرم «متقی» نیست. واژه «انفاق»، مقابل واژه «نفاق» است. «نفاق» یعنی ایجاد چاله در جامعه و «انفاق» یعنی چاله های جامعه را پر کردن، اعم از چاله های اقتصادی، فرهنگی و ... چه مادی و چه معنوی. (توجه: در اسلام رهبانیت و گوشه نشینی مطرود است). اسلام، فلاح فردی را هیچ گاه تقدیر نکرده است.

- توجه: تا کسی دغدغه، اهتمام و اقدام اجتماعی نداشته باشد، لاجرم قرآن برای او سودی نخواهد داشت.

- با توجه به آیه ۱ سوره مبارکه نساء، برای خدا مهم است که شئون تقوای الهی در زندگی اجتماعی مشاهده شود.

- «تقوای فردی» در واقع معنا ندارد، یعنی در تحقق بیرونی تا شأن اجتماعی تقوا رعایت نشود به آن کس «متقی» گفته نمی شود.

- در نقشه ساختار وجودی انسان، «ایمان» خروجی علم است و «عمل (اقامه)» خروجی فعل محسوب می شود لذا در واقع خدا برای صفات متقی خروجی علم و خروجی فعل را مبنا قرار داده است.

- نکته مهم: از نظر خدا، نماینده تمامی اعمال انسان «صلوات» است. یعنی چکیده همه اعمال انسان در زندگی، نماز است. خدا نماز را عصاره اعمال می داند. لذا برای «نماز خوب خواندن»، باید در تمامی اعمال روزانه مراقبه داشته باشیم، زیرا تک تک اعمال روزانه در نماز اثر می گذارند.

- اینکه چرا درباره ایمان، قید «ایمان به غیب» مطرح شده است دلیلش این است که:

\* انسان می تواند به «کتاب، خدا، آیات الهی، رسول، ملائکه و ...» که حقایق عالم هستند علم پیدا کند و همه اینها برای انسان کارکرد دارند و مؤثرند اما مهم این است که نمی توان به همه اینها به صورت کامل علم پیدا کرد و فقط قسمت کوچکی از آنها قابل علم پیدا کردن هستند و بقیه «غیب» اند. لذا سخن آیه ۳ این است: کسی متقی است که به همه آن قسمتی که غیب است نیز ایمان داشته باشد.

- تقوا (وَقَى) (التحقیق):

حفظ چیزی از مخالفت و عصیان (سرپیچی) در خارج و در مقام عمل است، همچنان که عَقَّةً (پاکدامنی)؛ به معنای حفظ نفس از تمایلات و خواهش های نفسانی است. ضمناً خصوصیات تقوی: به اختلاف موارد، متفاوت می شود و وجه اشتراک همه موارد: صیانت (حفظ) چیزی از محرّمات شرعی و عقلی، توجه به حق، تطهیر (پاک کردن) عمل و جریان طبیعی معروف (شناخته شده) است و این معنا در مقابل فُجور می باشد که عبارت است از: شکافته شدن حالت اعتدال و جریان طبیعی معروف و خروج امری مخالف که موجب فسق و طغیان (سرکشی) می شود.

- توجه: به عبارتی می توان گفت: نگهداری نفس برای اینکه علم به عمل برسد، «تقوا» گویند.

- در قرآن «تقوا» در سه جایگاه استعمال شده است:

۱) فاعل تقوا خداست. (البته با واژه وقاهم به کار رفته است)

در این موارد که فاعل تقوا خداست، خدا مخاطبی را از اثر سوء و یا هلاکتی نگره می‌دارد.

۲) فاعل تقوا انسان است.

البته اکثر تقوایی که در قرآن به کار رفته است، فاعلش انسان است.

۳) نه انسان است و نه خدا

این مورد در قرآن فقط یکبار در سوره مبارکه نحل آیه ۸۱ به کار رفته است. لباس‌هایی که انسان را از سرما و گرما نگره می‌دارد و یا هنگام جنگ در برابر دشمن محافظت می‌کند.

- بیشترین موارد استعمال تقوا در قرآن همراه واژه «ایمان» است. یعنی علم هرگاه مورد پذیرش قرار گیرد تنها در صورت ضمانت تقواست که برای انسان ثمر خواهد داشت. «تقوا»، محذوف همیشگی ایمان و عمل صالح است. تقواست که سبب می‌شود ایمان به عمل صالح ختم شود و تا ایمان به عمل صالح ختم نشود انسان را از خسر خارج نمی‌کند.

- خدا در قرآن هرگاه درباره عاقبت سخن گفته است آن را همیشه همراه با واژه تقوا نموده است. آدم‌های بی‌تقوا افراد بی‌سرانجام هستند.

- تقوا حقیقتی است که در تمامی مراحل زندگی و در تمامی مراحل سیر و سلوک هست.

- اصل ملکه تقوا در وجود هر کسی به ودیعه گذاشته شده است، ارتقاء آن کار انبیاء، کتاب و ... است.

- نکته: نسبت تقوا به لب در قرآن نیز مهم است. لب: عقل به کار گزفته شده است. در تقوا رابطه مرید و مرادی نیست بلکه رابطه استاد و شاگردی است یعنی تعقل در تقوا تعطیل نیست. یعنی تقوا و خرد حتماً احتیاج به لب دارد. از نظر خدا تقوای بدون لب اصلاً تقوا نیست زیرا تقوا حتماً باید مبتنی بر شناخت و معرفت باشد.

- انشاءالله به برکت سوره مبارکه بقره ما هم مزین به عبارت «متقین» در این سوره شویم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین